

پژوهش‌های جغرافیایی - شماره ۶۳، بهار ۱۳۸۷

صص ۶۷ - ۸۰

نقش برنامه های عمرانی پیش از انقلاب در مهاجرت های روستا - شهری کشور (با تأکید بر اهمیت درآمدهای نفتی)

مجتبی قدیری معصوم* - دانشیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

غلامرضا جهان محمدی فیروز- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

دریافت مقاله: ۱۳۸۴/۹/۱۵ تائید مقاله: ۸۶/۴/۶

چکیده

از زمان اجرای اولین برنامه عمرانی کشور ۵۸ سال می گذرد. سیاست ها، و خط مشی های نادرست این برنامه ها، به دلیل متکی بودن به درآمدهای نفتی و در نتیجه «ایجاد دولت رانتیری» همچنین تخصیص بیشتر بودجه های عمرانی و جاری ناشی از این درآمد به شهرها، به ویژه شهرهای بزرگ کشور باعث تشدید مهاجرت روستاییان به شهرها شد. درکنار آن توجه به صنعت موتناژ، انجام اصلاحات ارضی، کم توجهی به روستاها به طور اعم و توسعه کشاورزی به طور اخص، بر روند مهاجرت های روستا- شهری افزود. از پیامدهای مثبت و منفی این پدیده می توان به تعدیل بیکاری فصلی و افزایش میزان دستمزد برای افراد باقیمانده در روستاها، رونق امور ساختمانی و افزایش تولیدات صنایع موتناژ و مواد غذایی در شهرها، شهرنشینی شتابان، دگرگونی ساختار جمعیتی شهرها و روستاها، برهم خوردن ساخت اشتغال و افزایش بیکاری و گرایش به اشتغالات کاذب، وابستگی به واردات محصولات کشاورزی اشاره نمود.

کلید واژه ها: نفت، برنامه های عمرانی، مهاجرت های روستا - شهری، تمرکز سیاسی - اقتصادی.

مقدمه

مهاجرت^۱ ریشه تاریخی داشته و به عنوان یک واقعه مهم در تاریخ ثبت شده است و اشکال گوناگونی دارد. شکل غالب آن در سطح ملی بیشتر مهاجرت از روستا به شهر است. این نوع از مهاجرت که به عنوان پدیده ای جمعیتی در سطح جهان مطرح شده ناشی از عملکرد انقلاب صنعتی بوده است. در کشور ما ایران از دوره صفویه و با دادن القاب به اصناف شهری و تحقیر جامعه روستایی آغاز شده و در دوره مشروطیت نمود بیشتری پیدا کرده است. پس از کودتای ۱۲۹۹ و به دنبال تغییر حکومت و شروع مناسبات سرمایه داری در الگوی عملکردی شهرها این پدیده در کشور تعمیم یافته است. در زمان پهلوی دوم، پس از تهیه، تدوین و اجرای برنامه های عمرانی کشور از سال (۱۳۲۷) و اتخاذ

E-mail: mghadiri@ut.ac.ir

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۳۱۹۱۳۴۶

سیاست‌ها و استراتژی‌های^۲ نادرست این برنامه‌ها به دلیل متکی بودن به درآمدهای نفتی و تخصیص دادن بیشتر بودجه‌های عمرانی و جاری به شهرها، به ویژه شهرهای بزرگ کشور باعث تشدید مهاجرت روستاییان به شهرها شد. زیرا درآمدهای نفتی مشوق رشد فعالیت‌های شهری، تغییر توزیع درآمد و ثروت به نفع یک اقلیت کوچک، ایجاد عدم تعادل تولیدی و مصرفی و نتیجتاً نرخ‌های بالای تورم می‌گردد. بخش کشاورزی و جامعه روستایی را نابود می‌کند و به تعارضات اجتماعی می‌انجامد (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۱۴۲ و ۱۴۱). همچنین در طول اجرای برنامه‌های عمرانی، انجام اصلاحات ارضی در نقاط روستایی (اواخر برنامه دوم تا ابتدای برنامه پنجم)، توجه به صنعت مونتاژ، رونق مشاغل پر سود و پر درآمد مانند بورس بازی زمین و ساختمان و... بر روند مهاجرت‌های روستا - شهری افزود. این مقاله ضمن تشریح نقش برنامه‌های عمرانی پیش انقلاب در مهاجرت‌های روستا - شهری کشور (با تأکید بر اهمیت درآمدهای نفتی)، آثار و نتایج آن را بر شهر و روستا و کل کشور بررسی نموده است.

روش بررسی

روش بررسی در این پژوهش توصیفی - تاریخی و براساس مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد. لذا کتب، اسناد و مدارک معتبر در زمینه مبحث مورد نظر مطالعه، بررسی و تحلیل محتوا گردیده است.

بیان مسئله

از بدو برنامه ریزی در ایران، درآمدهای نفتی به طرح‌های عمرانی اتصال یافت (خیرخواهان، ۱۳۷۸، ۳۱۱). تزریق نقدینگی ناشی از آن به اقتصاد کشور به طور مستقیم از طریق بودجه سالانه دولتی و اجرای برنامه‌های عمرانی انجام می‌شد. با تبدیل نفت به مهمترین منبع مازاد اقتصادی در سطح ملی نقش کشاورزی در تولید داخلی و صادرات کاهش یافت. این وضعیت باعث برهم خوردن رابطه متعادل شهر و روستا شد و شهرها به مکان تحقق تجارت جهانی و تمرکز مازاد اقتصادی ملی تبدیل شدند. با گسترش زیرساخت‌های صنعتی و مالی فعالیت‌هایی سودآور در شهرها پدید آمد و شهرها به مراکز اصلی اشتغال نیروی کار دستمزدی تبدیل شدند و مهاجرت‌های روستا - شهری شدت یافت (حسامیان، ۱۳۶۳، ۵۰ و ۴۹).

با مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهرها، سرمایه‌های عمرانی و جاری زیادی برای تأسیسات و تجهیزات در شهرها هزینه شد. این عامل به صورت مستقیم و غیرمستقیم موجب رشد جمعیت شهرنشین، کاهش و حتی سیر نزولی جمعیت روستایی کشور و گسترش شهرنشینی و توسعه شهرها شده است.

با دستیابی به علل مهاجرت روستا - شهری و سرمایه‌گذاری در روستاها در راستای برقراری امکانات می‌توان از مهاجرت بی‌رویه جلوگیری و توان‌های بالقوه انسانی مهاجرت را در امور تولیدی و کشاورزی به کار گرفت. از سویی دیگر، از تغییر کاربری اراضی کشاورزی^۱ و خارج شدن مرغوبترین زمین‌های زراعی از چرخه تولیدات کشاورزی و به زیر ساخت و ساز رفتن آن‌ها جلوگیری نمود. افزون بر آن، با اتخاذ سیاست‌هایی در راستای کاهش مهاجرت‌های روستا - شهری و حتی تشویق مهاجرت‌های معکوس می‌توان از افت سطح

آب های زیرزمینی و کاهش آلودگی آب های زیرزمینی و جاری، آلودگی هوا و خاک، کاهش فضای سبز، سرمایه گذاری سنگین برای خدمات زیربنایی (آموزش، اشتغال، مسکن، بهداشت و درمان) جلوگیری به عمل آورد. مضافاً آن که مشکلات و معضلات گوناگونی چون بیکاری، کمبود مسکن مناسب، ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی در شهرها را می توان سامان بخشید.

- آیا نحوه توزیع و تخصیص بودجه های عمرانی و جاری کشور در قالب برنامه های عمرانی باعث تشدید روند مهاجرت روستاییان به شهرها شده است؟

- آیا اتکاء مالی برنامه های عمرانی کشور به درآمدهای نفتی و متقابلاً تأثیر پذیری سیاست ها و خط مشی های این برنامه ها از آن، در تشدید مهاجرت های روستا - شهری تأثیر گذار بوده است؟

با توجه به سوالات مطرح شده، فرضیات این تحقیق عبارت است از:

- به نظر می رسد تخصیص دادن بیشتر بودجه های عمرانی و جاری در قالب برنامه های عمرانی به شهرها، به ویژه شهرهای بزرگ کشور باعث تشدید روند مهاجرت روستاییان به شهرها شده است.

- به نظر می رسد اتکاء مالی برنامه های عمرانی به درآمدهای نفتی در تشدید مهاجرت های روستا - شهری موثر بوده است.

تحولات ایران در دوره پهلوی

دولت رضاخان پرچمدار نوگرایی در اولین برخورد، دگرگونی سازمان کهن شهری را مدنظر قرار داد و تصور می کرد که تغییرات کالبدی شهر مایه و پایه تغییرات بنیادی خواهد شد. هدف از تغییرات مورد نظر، دگرگونی شهری است به نحوی که بتواند نمادی از پیشرفت و توسعه باشد (مجتهدزاده، ۱۳۷۶، ۹۹). بنابراین راه های زیاد، ادارات مختلف، کارخانجات و صنایع متعددی در سطح شهرها احداث شده اند که چهره شهر و نیز ساخت اشتغال شهری را دستخوش تحول ساختند. و به دنبال آن افزایش سریع حمل و نقل شهری بیش از پیش چهره سنتی شهرها را دگرگون ساخت. لیکن در این دوره روستاها از این تحولات تقریباً برکنار ماندند. فقط تصویب و اجرای قانون انجام خدمت نظام، موجب آشنایی اجباری جوانان روستایی با زندگی شهری و ترغیب آن ها به مهاجرت به شهر (خواه به طور دائم یا فصلی)، پس از پایان خدمت نظام گشت (حسامیان، ۱۳۶۳، ۴۳-۳۷). همچنین سیاست اسکان اجباری عشایر، مبارزه با سران عشایر، تار و مار کردن دستجات مسلح خان ها، ایجاد ارتش منظم و تجهیز آن به سلاح های جدید برای برقراری امنیت، تأسیس ژاندارمری در نقاط دور افتاده (رهنمایی، ۱۳۸۴، ۵۵). احداث خط راه آهن شمال به جنوب که در برنامه دولت رضا شاه قرار گرفت از جمله مواردی بود که امنیت اجتماعی در شهرها و روستاها را به میزان قابل ملاحظه ای بالا برد. به دلیل افزایش جاذبه های شهری و نضج سرمایه داری، نرخ مهاجرت روستایی در این دوره (۱۳۲۰ تا ۱۳۰۰)، سالانه ۰/۱۴ درصد برآورد شده است. هر ساله به طور متوسط ۱۲۳۰۰ نفر از روستا مهاجرت کردند. و مجموعاً در این دوره، ۲۴۶ هزار نفر از طریق مهاجرت به جمعیت شهرها افزوده شد. مهاجران روستایی این

دوره، سالانه ۰/۳ درصد جمعیت شهرنشین کشور را تشکیل می‌داده‌اند (زاهدی و دیگران، ۱۳۶۶، ۳۵). بعد از سقوط رضا شاه و اشتغال کشور توسط متفقین از ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۰ رکود کامل اقتصادی بر کشور ایران مستولی شد. قحطی و شیوع امراض، مملکت را دچار وضع وخیمی ساخت (مجتهدزاده، ۱۳۷۶، ۱۲۷). در این دوره ایلات و عشایر از نو قدرت گرفتند و حکومت مرکزی مجدداً تضعیف شد و ظهور جنبش‌های وابسته به شوروی به ویژه در آذربایجان و کردستان و بحرآن‌های سیاسی مشکلات اقتصادی فراوانی را موجب شد (زاهدی و دیگران، ۱۳۶۶، ۳۵). به علاوه مالکین روستاها و کسانی که به اصطلاح تأمین کننده امنیت و قدرت مالی برای گردش چرخ کشاورزی بودند، با به هم خوردن اوضاع کشور و عدم امنیت جانی در پی اشغال نظامی، پراکنده و متواری شدند (مشهدزاده، ۱۳۷۳، ۴۹). در نتیجه این عوامل، باعث مهاجرت روستائیان به شهرها شد. در سال ۱۳۲۴ بخش شهرسازی و طرح‌ریزی در سازمانی موسوم به «سازمان اصل چهار ترومن» در ایران تشکیل شده بود. به این ترتیب برنامه‌ریزی متمرکز در ایران از سال ۱۳۲۷ با تهیه اولین برنامه (۳۴-۱۳۲۷) شروع می‌شود (سعیدنیا، ۱۳۸۲، ۲۲). در واقع با تأسیس سازمان برنامه در سال ۱۳۲۷، اندیشه برنامه‌ریزی جامع به کمک مشاوران خارجی در ایران صورت عملی به خود گرفت (مهدیزاده و دیگران، ۱۳۸۲، ۴۰۵). بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، دولت در برنامه‌ریزی اقتصادی نقش مهم‌تری به دست گرفته و مجری تام و تمام برنامه‌های عمرانی بود. برنامه‌های عمرانی اهرم اصلی نوسازی و توسعه اقتصادی گردید. بودجه‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری‌ها و اعتبارات دولتی از محل صادرات نفت و قدری هم از طریق وام‌های خارجی تأمین می‌شد. اجرای برنامه‌های عمرانی برای گسترش زیرساخت‌های صنعتی و اقتصادی و جذب سرمایه‌های خصوصی داخلی و خارجی بود (حسامیان، ۱۳۶۳، ۳۲-۳۰). در سال‌های ۴۱-۳۹ تقریباً تمامی عواید نفت و وام‌های خارجی در شهرها به مصرف می‌رسید. رشد بسیار سریع صنایع و ساختمان‌سازی به ویژه در سال ۱۳۴۱ ثمره مصرف عواید نفت و کمک‌های خارجی در بخش شهری بود. $\frac{2}{3}$ کل سرمایه‌گذاری ناخالص به "ساختمان" اختصاص داشت و تنها $\frac{1}{3}$ صرف ماشین‌آلات می‌شد؛ یعنی بیشتر سرمایه‌گذاری دولتی در امور ساختمانی بود (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۲۷۴). با این حال اختلاف بر سر ماهیت حکومت (یعنی سلطنت مشروطه یا استبدادی) همچنان حاد بود و طبیعتاً از هر نوع اصلاحات اساسی هم جلوگیری می‌کرد (هوگلاند، ۱۳۸۱، ۷۶). در واقع پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بسیاری از روشنفکران به این نتیجه رسیدند که شاه صرفاً دست‌نشانده حکومت‌های بیگانه و خائن به کشور است. با توجه به این انتقادات، عملاً تنها راهی که او برای اعاده حیثیت خود در اختیار داشت بازگشت به نظام سیاسی قبل از کودتا بود (همان، ۹۱). بنابراین دکتر امینی نخست‌وزیر وقت با همکاری آمریکا و طراحی حسین ارسنجانی وزیر کشاورزی کابینه خود اصلاحات ارضی را در سال ۱۳۴۱ (اواخر برنامه عمرانی دوم) تصویب و به مورد اجرا گذاشت. به دلیل رشد سریع درآمد نفت در سال‌های ۵۲ تا ۴۱، گروه امینی در رژیم گذشته در نظر داشت زمین‌های زراعی را میان ۶۵ درصد از خانواده‌های زارع صاحب نسق تقسیم کند؛ هزینه پرداخت سهم مالکان را از طریق فروش اموال دولتی فراهم آورد؛ و با تشویق مالکان به سرمایه‌گذاری در صنایع و با تخصیص اعتبارات مستقیم و سایر کمک‌ها، صنایع خصوصی بخش شهری را توسعه دهد و نیروی کار اضافی روستاها را به مهاجرت به شهرها تشویق کند (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۲۸۰). زیرا برنامه‌های دولت در دوران

پس از اصلاحات ارضی شامل سه محور صنعت، زیرساخت های اقتصادی و اشتغال بود. در واقع رونق شهرنشینی و کاهش اهمیت کشاورزی و فروپاشی روابط سنتی در روستاها منتج از این سه عامل فوق الذکر به تشدید روندهای مهاجرتی دامن زد (حسامیان، ۱۳۶۳، ۶۰).

با توجه به شرح آنچه که رفت و همچنین بیان سوالات و فرضیه های تحقیق با نظر اجمالی به برنامه های عمرانی پیش از انقلاب اسلامی اهمیت درآمدهای نفتی در تامین مالی این برنامه ها و نقش آن ها در توسعه و گسترش تاسیسات و تجهیزات شهرها و به تبع آن تشدید مهاجرت های روستا - شهری مورد بررسی قرار گرفته است.

برنامه عمرانی اول (۱۳۲۷-۱۳۳۴)

برنامه هفت ساله اول عمرانی در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۲۷ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. هدف های کلی این برنامه عمرانی افزایش تولید، گسترش صادرات، اصلاح کشاورزی، صدور مواد معدنی، ارتقاء سطح زندگی و افزایش رفاه اجتماعی اعلام شده بود (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷، ۱۱). به منظور عملی ساختن اهداف کلی فوق، سرمایه گذاری معادل ۲۱ میلیارد ریال پیش بینی شده بود. سهم نفت از کل اعتبارات این برنامه ۳۷/۱ درصد بود (خیرخواهان، ۱۳۷۸، ۳۰۵). در این برنامه عمرانی مقرر شده بود که از مجموع ۲۱ میلیارد ریال منابع تخصیص یافته به برنامه، ۲۳/۸ درصد به کشاورزی و آبیاری، ۱۴/۳ درصد به صنایع و معادن، ۲۳/۸ درصد به راه های شوسه، راه آهن و بنادر و فرودگاه، ۴/۵ درصد به پست، تلگراف، تلفن و بی سیم، ۴/۸ درصد برای تاسیس شرکت نفت ایرانی و ۲۸/۵ درصد به اصلاحات اجتماعی و شهری تخصیص داده شد (بانک ملی ایران، ۱۳۲۷، ۶۱). به این ترتیب ۷۶ درصد از کل اعتبارات عمرانی این برنامه به اموری تخصیص یافت که عملکرد مستقیم آن افزایش نرخ مهاجرت از روستا به شهر در پی نیازهای برنامه عمرانی به نیروی کار به ویژه کارگران ساده ساختمانی بود. چرا که سیاست قطبی کردن فعالیت ها و تشکیل قطب های توسعه، محور اصلی برنامه اول عمرانی کشور بود. پایتخت به عنوان قطب اصلی، فعالیت های عمرانی دولت و مؤسسات خصوصی را در خود متمرکز کرد. نتایج این برنامه رشد شتابان پایتخت و بعضی از شهرهای استانی، کند شدن رشد شهرهای میانی و سرانجام نوعی توسعه منطقه ای پراکنده و بدون خط مشی واحد بود (حبیبی، ۱۳۸۰، ۱۷۷-۱۷۵). همچنین اجرای «اصل چهارم» توسط آمریکائیان در سال ۱۳۲۸ نیز در افزایش ارتباطات میان شهر و روستا در نتیجه بر روند مهاجرت از روستا به شهر موثر بود.

در این برنامه عمرانی، فصل مستقلی به عنوان عمران روستایی وجود نداشت، لیکن برنامه هایی کلی برای روستاها منظور شده بود. این برنامه ها اصول دیدگاه های اجرایی توسعه زراعی را در بر می گرفت و مظاهر عمده آن، نمایش تجهیزاتی از قبیل تراکتور و موتورهای آبکشی و بذر، کود شیمیایی و آموزش روش های بکارگیری آن ها بود. به علت عدم ارتباط بین مروجان با زارعان، به هیچ وجه این طرح به اهداف تعیین شده برای توسعه کشاورزی دست نیافت (رزاقی، ۱۳۶۸، ۱۶۸). برنامه عمرانی اول تنها به مدت دو سال اجرا شد و با آغاز ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹ و تحریم همه جانبه ایران و قطع درآمد دولت از نفت که بایستی صرف اجرای برنامه می شد، انجام آن متوقف گردید. به طور کلی این برنامه به دلیل درگیری های سیاسی و قطع کمک های آمریکا و عدم صدور نفت، برنامه

موفقی نبود، به گونه ای که از مجموع ۲۱ میلیارد ریال اعتبار طرح، تنها حدود ۲۰٪ آن جذب گردید (قدیری معصوم و علیقلی زاده، ۱۳۸۲، ۱۱۹).

برنامه عمرانی دوم (۱۳۴۱-۱۳۴۴)

با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و از سرگیری فروش نفت و همچنین ایجاد آرامش نسبی در کشور، زمینه برای تدوین و اجرای برنامه دوم فراهم شد. برنامه دوم همانند برنامه اول جامع نبود و به صورت مجموعه ای از طرح‌ها ارائه گردید و در اسفند ماه ۱۳۳۴ به تصویب مجلس رسید. اعتبارات اولیه این برنامه ۷۰ میلیارد ریال پیش بینی شده بود که با توجه به افزایش پیش بینی نشده قیمت نفت در سال ۱۳۳۶، پیشنهاد افزایش ۲۰ درصد به کل اعتبارات تخصیص یافته برنامه به تصویب مجلس رسید و به این ترتیب اعتبارات برنامه به ۸۴ میلیارد ریال افزایش یافت. سهم نفت از کل اعتبارات این برنامه ۶۴/۵ درصد بود (خیرخواهان، ۱۳۷۸، ۳۰۵). در این برنامه اهدافی چون؛ افزایش تولید، بهبود وضعیت صادرات و تهیه مایحتاج مردم در داخل کشور و ترقی کشاورزی، صنایع، اکتشاف و بهره‌برداری از معادن و ثروتهای زیرزمینی دنبال می شد. همچنین مرمت و تکمیل وسایل و خطوط ارتباطی، بهبود بهداشت عمومی و انجام هر نوع عملیات در راستای عمران کشور و بالا بردن سطح فرهنگ و زندگی افراد و به موازات آن بهبود وضع معیشت عمومی از اهم دیگر اهداف این برنامه بود (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷، ۱۲). اصلاحات اجتماعی و شهری در برنامه دوم بیشترین سهم از اعتبارات را که بیش از ۸/۶ میلیارد ریال یا ۲۸/۶ درصد از کل اعتبارات برنامه بود، به خود اختصاص داد. علاوه بر تخصیص رقم فوق، سایر بخش‌ها در قالب راه‌های ارتباطی، پست، تلگراف و تلفن و بخش صنعت به عنوان عمده‌ترین بخش‌های برنامه عمرانی شهرنشینی و تحول شهری را به دنبال داشت. افزون بر آن، در پی سیاست‌های اصلاحی دولت در بخش‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، تخصیص این گونه هزینه‌ها مستقیماً از سوی دولت در فضاهای شهر، ماهیت سنتی و قدیمی شهرها را دگرگون ساخته و باعث پیدایش ماهیت جدید در عملکرد نظام شهری شد. اجرای برنامه دوم، سبب پیدایش گروه جدیدی از سرمایه‌داران گردید. سرمایه‌دارانی که سرمایه‌های خود را مستقیماً از مشارکت در این برنامه به دست آورده بودند. این برنامه توجه کمتری به بخش کشاورزی داشت. و با گسترش روابط سرمایه‌داری در ایران، تأثیر فراوانی بر جمعیت شهرنشین گذاشت. در این زمان، اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگر به صدور نفت و منابع انرژی حاصل از آن وابسته شد و درآمدهای نفتی عمدتاً صرف سرمایه‌گذاری در امور زیر ساختی و خدمات شد. به این ترتیب نقش مازاد اقتصاد روستایی در ایران در توسعه شهری روز به روز کاهش یافت (خلیلی عراقی، ۱۳۶۷، ۱۰). در برنامه عمرانی دوم فقط ۴/۵٪ یا حدود یک میلیارد ریال از سهم بخش کشاورزی برای عمران ۶۵ هزار ده که بیش از ۷۰٪ جمعیت کشور را در خود جای داده بود هزینه شد (آسایش، ۱۳۷۶، ۵۸) چرا که در این برنامه نیز همانند برنامه عمرانی اول، فصل مشخصی برای عمران روستایی در نظر گرفته نشد و عمران روستایی در زیر بخش‌های عمران ناحیه ای و توسعه کشاورزی گنجانده شد. به این صورت که تمایز چندانی بین برنامه‌های پیش بینی شده برای کشاورزی به عنوان یک "فعالیت اقتصادی" و روستاها به عنوان یک "جامعه" وجود نداشت. این در حالی بود که عمران شهری که یکی از زیر فصل‌های عمده فصل امور اجتماعی تلقی می شد از

جایگاه مناسبی در نظام برنامه ریزی برخوردار بود (رضوانی، ۱۳۸۳، ۴۲). با گسترش روز افزون تجارت خارجی، سرمایه گذاری ها و وام های خارجی، شهرها هر چه بیشتر به مکان تحقق تجارت جهانی و تمرکز مازاد اقتصادی ملی (درآمدهای حاصل از صادرات نفت) تبدیل شدند و در نتیجه هر چه بیشتر مستقل از مازاد اقتصادی روستایی و نوسانات آن به حیات خود ادامه دادند. با تبدیل شهر به محور اصلی حیات اقتصادی جامعه و گسترش زیر ساخت های صنعتی و مالی جهت بسط مناسبات سرمایه داری، فعالیت جدید و سودآوری در شهرها پدید آمد. زمینه های سرمایه گذاری فزونی یافت و به تدریج شهر به مرکز اصلی اشتغال نیروی کار دستمزدی بدل شد. با کاهش نقش کشاورزی و رونق حیات شهری، روند مهاجرت نیروی کار از روستا به شهر با شدت بیشتری ادامه یافت. به دنبال مهاجرت روستائیان، رابطه سازمان یافته شهر و روستا از حیث مازاد اقتصادی روستایی و یا نقش شهر در متمرکز کردن این مازاد اقتصادی تضعیف شد و شبکه محلی استخراج و تمرکز مازاد اقتصادی در این دوره دچار گسیختگی گردید و به این ترتیب بخش کشاورزی در حاشیه قرار گرفت (حسامیان، ۱۳۶۳، ۵۰-۴۷). بنا به تخمین، نرخ مهاجرت روستایی طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۱، ۱/۰۵ درصد بوده است و متوسط تعداد مهاجرین هر ساله در دوره فوق حدود ۱۵۳ هزار نفر بوده است. در این دوره به تقریب حدود ۹۱۸ هزار نفر از طریق مهاجرت روستایی به جمعیت شهری کشور افزوده شدند (زاهدی و دیگران، ۱۳۶۶، ۳۶).

برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۲-۱۳۴۶)

برنامه سوم عمرانی در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۱ به تصویب مجلس رسید. این برنامه بر خلاف برنامه های اول و دوم عمرانی، به صورت جامع بود و اعتبارات آن ۲۳۰ میلیارد ریال به تصویب رسید (رضوانی، ۱۳۸۳، ۴۴). سهم نفت از کل اعتبارات این برنامه ۶۶ درصد بود. درآمدهای نفتی بزرگترین تأمین کننده منابع عمرانی برنامه بود و ساخت زیربنایها توسط بخش عمومی صورت گرفت و بخش خصوصی نیز در بخش های ساختمان، حمل و نقل و صنایع سبک به سرمایه گذاری پرداخت. در برنامه عمرانی سوم فعالیت های دولت بر سه محور صنعت، زیرساخت های اقتصادی و اشتغال متمرکز شده بود و درآمدهای ارزی نفت به منبع اصلی سرمایه گذاری در امور زیرساختی و خدمات بدل شد. افزون بر آن، بخش اعتبارات و مؤسسات مالی دولتی به عمده ترین اهرم سرمایه گذاری و تشویق بخش خصوصی تبدیل و متعاقباً شهرها مکان تحقق مازاد اقتصاد ملی شدند. بودجه برنامه های عمرانی در آغاز صرف بهبود زیرساخت های شهری و بین شهری و سپس در مرحله بعد مصروف سرمایه گذاری های صنعتی گشت. رونق شهرنشینی و کاهش اهمیت کشاورزی و فروپاشی روابط سنتی در روستاها، به تشدید روندهای مهاجرتی دامن زد. سرعت گرفتن مهاجرت های روستا - شهری افزایش سریع جمعیت شهرهای بزرگ و متوسط را در پی داشت. مهمترین خصلت شهرنشینی سریع در ایران از حیث اقتصادی، اتکاء کامل آن به مازاد اقتصاد ملی یعنی درآمدهای حاصل از صدور نفت است. این خصلت تعیین کننده سایر عوارض و پدیده های شهری در این دوره است. افزایش درآمد نفت و توجه به صنعت و استقرار کارخانجات مونتاز، نیاز به نیروی انسانی را افزایش داده و از طرف دیگر برای جلوگیری از ایجاد ناآرامی های اجتماعی و سیاسی و به خطر افتادن ثبات سیاسی حکومت می بایست اقداماتی صورت بگیرد (مشهدیزاده، ۱۳۷۳، ۸۸). به این منظور دگر آفرینی،

نخست وزیر وقت کشور، با حمایت آمریکا اصلاحات ارضی را به منظور جلوگیری از نضج جنبش‌های دهقانی، توسعه خرده مالکی، تضعیف قدرت اربابان و متلاشی شدن مناسبات ارباب - رعیتی تدارک دیده به علاوه، مهیا نمودن زمینه مناسب برای یکپارچگی بازار داخلی و فروش تولیدات صنعتی در روستاها، بالا بردن سطح تولید کشاورزی، تأمین نیروی انسانی اضافی روستاها برای صنایع شهری را که از اهداف این دکتترین بود (سلطان زاده، ۱۳۶۷، ۱۸۲). در اواخر برنامه عمرانی دوم (۱۳۴۰) تصویب و تا پایان برنامه عمرانی چهارم (۱۳۵۱) طی سه مرحله به مورد اجرا گذاشت. به لحاظ عدم جلب رضایت دهقانان، فقدان اهداف مشخص در عمران روستایی و قلت سرمایه گذاری چیزی جز بر هم خوردن نظام ارباب - رعیتی و تسلط بیشتر خان‌ها و مالکین بزرگ را در بر نداشت. این امر موجب مهاجرت میلیون‌ها روستایی به شهرها و تشدید رشد بخش خصوصی گردید. تأمین نیروی کار ارزان برای فعالیت‌های اقتصادی در شهرها اعم از صنعت، ساختمان و خدمات و بخش میکانیزم بازار تولید و مصرف روستا به دلیل سلطه سرمایه داری رو به رشد از دیگر پیامدهای اصلاحات ارضی بود. به این ترتیب بازارهای روستایی که پیش از آن بیشتر به صورت محیط‌های بسته خودکفا، کمتر زیر نفوذ سلطه بازار قرار داشت، به روی کالاهای تولیدی و وارداتی کشور گشوده شد. سهم اعتبارات عمران روستایی در برنامه عمرانی سوم با وجود این که بیش از ۶۰ درصد جمعیت کشور در نقاط روستایی زندگی می‌کردند بسیار کم و فقط ۴/۷۳ میلیارد ریال بود. در صورتی که در همین برنامه مبلغ منظور شده برای عمران شهری بالغ بر ۷/۳ میلیارد ریال می‌گردید. همچنین در چهار سال اول برنامه سوم، سرانه سرمایه گذاری برای هر فرد روستایی معادل ۷۶ ریال بود که این رقم یک هشتم سرانه شهری بود. این توزیع نابرابر به روشنی بیانگر آغاز تخریب روستا و شتاب بخشی مهاجرت روستاییان به شهرها بود. به این ترتیب روند افزایش مهاجرت از روستا به شهر از سال ۱۳۴۵ به بعد به سرعت افزایش یافت (قدیری معصوم و علیقلی زاده، ۱۳۸۲، ۱۲۲ و ۱۲۱).

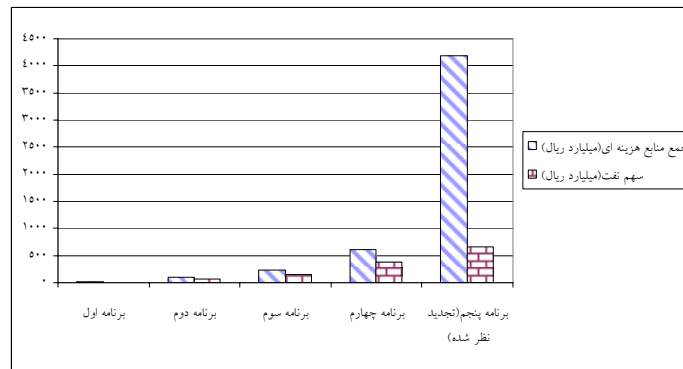
برنامه عمرانی چهارم (۱۳۴۷-۱۳۵۱)

برنامه عمرانی چهارم در ۲۷ اسفند ۱۳۴۶ با اعتباری حدود ۲۳۰ میلیارد ریال به تصویب مجلس رسید (رضوانی، ۱۳۸۳، ۴۶). سهم نفت از کل اعتبارات این برنامه ۶۳ درصد بود. مهمترین فصول برنامه چهارم از نظر اعتبارات پرداختی، فصل صنایع و معادن با ۲۲/۳ درصد و پس از آن به ترتیب فصل حمل و نقل و ارتباطات با ۱۴/۱ درصد، نفت و گاز با ۱۱/۳ درصد، آب با ۸/۳ درصد، ساختمان و مسکن با ۸/۲ درصد، کشاورزی و دامپروری ۸/۱ درصد بوده است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۰، ۲۱). در برنامه چهارم در حالی که بخش‌های صنعت و خدمات رشد سالانه ۱۴ و ۱۴/۸ درصد را تجربه نمودند، بخش کشاورزی رشد سالانه ۳/۸ درصد داشت (اسفندیاری، ۱۳۷۸، ۳۹۵). تأکید اصلی توسعه اقتصادی بر صنعتی شدن مهمترین دلیل توجهی این مسئله بود. افزایش تعداد واحدهای تولیدی صنعتی و پایه گذاری صنایع پتروشیمی، گاز و بهره‌برداری از صنعت اتومبیل و نیز افزایش قابل ملاحظه حجم فعالیت‌های ساختمانی در نقاط شهری در این دوره، عامل بسیار مؤثری در جذب نیروی کار رانده شده از روستا بود از طرف دیگر، در این برنامه پیش بینی شده بود که تعداد ۲۲۶۰۰۰ شغل در بخش کشاورزی ایجاد شود. این مهم نه تنها انجام نشد بلکه ۲۰۲۰۰۰ نفر از شاغلین قبلی نیز این بخش را ترک نمودند. این در حالی بود که شغل ایجاد شده در بخش صنعت و خدمات از حد برنامه فراتر رفته و به ترتیب به ارقام ۷۳۶ و ۷۲۰ هزار شغل جدید رسید. این در حالی است که سهم

شاغلین بخش کشاورزی از ۴۹ درصد به ۴۰ درصد کاهش یافت. به این ترتیب روند و میزان مهاجرت از روستا به شهر در طول برنامه چهارم نه تنها مهار نگردید بلکه بالعکس شتاب یافت (قدیری معصوم و علیقلی زاده، ۱۳۸۲، ۱۲۳). نرخ مهاجرت روستائیان در این دوره به ۱/۴ درصد رسید که ۰/۴ درصد بیش از همین نرخ در دوره قبل بوده است. متوسط تعداد مهاجرین سالانه از روستا در این دوره حدود ۲۳۲ هزار نفر بوده است. که حدود ۱/۵ برابر دوره قبل است. به این ترتیب ۳۸ درصد افزایش جمعیت شهری در دوره ۵۰-۱۳۴۵ ناشی از مهاجرت روستائیان به شهر است.

برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۶-۱۳۵۲)

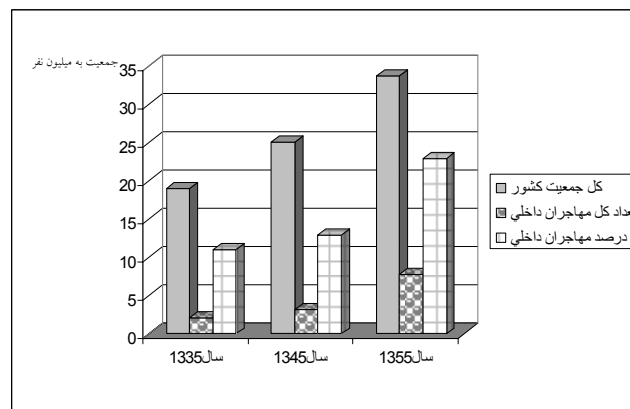
برنامه پنجم عمرانی در اسفند ۱۳۵۱ به تصویب مجلس رسید. رشد اقتصادی پیش بینی شده در برنامه ۱۱/۲ درصد و اعتبارات برنامه ۱۵۶۰ میلیارد ریال بود. با توجه به شش برابر شدن درآمد نفت در سال های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۳، این برنامه در سال ۱۳۵۴ تجدید نظر گردید و اعتبارات آن مجموعاً به ۴۱۸۶ میلیارد ریال و رشد جدید اقتصادی ۲۵/۹ درصد تعیین گردید. سهم نفت از کل اعتبارات این برنامه ۷۹/۸ درصد بود. در نیمه اول دهه پنجاه با افزایش چشمگیر درآمد کشور از محل نفت و تمرکز هر چه بیشتر مناسبات های اقتصادی، میزان مهاجرت روستایی رشدی شتابان به خود گرفت و به رقم ۲ درصد در سال رسید. درآمد حاصل از صادرات نفت در آغاز صرف بهبود زیرساخت های شهری و در مرحله بعد صرف سرمایه گذاری صنعتی شد. گسترش زیر ساخت ها و تأسیسات و تجهیزات در شهرها، کیفیت زندگی شهری را ارتقاء داد. بورس بازی زمین و ساختمان سازی در شهرهای بزرگ کشور به سودآورترین و پر رونق ترین فعالیت شهری تبدیل شد (اعتماد، ۱۳۶۶، ۶۶ و ۶۵). در این برنامه از لحاظ اشتغال نه تنها ۱۲۹۶۰۰ شغل جدید در بخش کشاورزی ایجاد نشد، بلکه ۷۳۴ هزار نفر شاغلین قبلی، بخش کشاورزی را ترک نمودند. هجوم این تعداد وسیع از روستائیان به شهرها، فشار عرضه کار را بر بخش خدمات تحمیل نمودند به طوری که این بخش به جای ۵۵۱۹۰۰ نفر، بالغ بر ۹۴۷۰۰۰ نفر شاغلین جدید را شامل شد. لذا سهم بخش کشاورزی از اشتغال از ۴۸ درصد به ۳۳ درصد کاهش یافت (آسایش، ۱۳۷۶، ۶۴). همچنین مالکین سابق که در سطح روستاها فعالیت داشتند با گرفتن پول و غرامت ناشی از فروش و تحویل املاک خود به دولت به احداث صدها کارخانه مونتاژ، کارگاه تولیدی، سینما، هتل، سوپر مارکت، مدرسه خصوصی، کاباره و رستوران و دیگر مراکز خدماتی سودآور در شهرها پرداختند و در نتیجه منتظر جذب نیروهای آزاد شده از روستاها شدند (مستوفی الممالکی، ۱۳۷۶، ۸۹ و ۸۸). بنا بر محاسبات مربوطه متوسط تعداد مهاجران روستایی سالانه طی این برنامه عمرانی ۳۷۳ هزار نفر بوده است یعنی حدود ۳/۱ میلیون نفر به جمعیت شهرنشین کشور افزوده شد. در حدود ۴۸ درصد از این افزایش ناشی از مهاجرت روستائیان به شهرها یا تبدیل نقاط روستایی به نقاط شهری است (زاهدی و دیگران، ۱۳۶۶، ۳۷). به این ترتیب با توجه به برنامه های اول تا پنجم عمرانی می توان سهم نفت را در شکل یک مشاهده نمود.



مآخذ: (خیرخواهان، ۱۳۷۸، ۳۰۸).

شکل ۱ سهم نفت در برنامه های عمرانی اول تا پنجم

از دیگر تبعات برنامه های عمرانی با اتکاء به درآمد های نفتی، مهاجرت های روستا - شهری و مهاجرت از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ بود (شکل ۲). شهرنشینی از ۳۰/۴ درصد در سال ۱۳۳۰ به ۴۷ درصد در پایان سال ۱۳۵۵ رسید. این افزایش سریع شهرنشینی در سال های بعد به واسطه تغییرات اجتماعی و سیاسی و جنگ تحمیلی همچنان ادامه دارد.



مآخذ: (مرکز آمار ایران، آمار سال های ۴۵، ۵۵، ۱۳۳۵).

شکل ۲ مهاجرت های داخلی در ایران طی سال های ۵۵ - ۱۳۳۵

بر اساس داده های شکل ۲، در سال ۱۳۵۵، ۲۳ درصد از کل جمعیت کشور را مهاجران تشکیل داده و به این ترتیب بالاترین نرخ را در میان سه دهه آماری نشان می دهد.

جدول ۱ توزیع جمعیت کشور بر حسب نقاط شهری و روستایی و تغییرات درصدی آن طی سال های ۵۵-۱۳۳۰

سال	جمعیت کل کشور به نفر	تعداد جمعیت شهری به نفر	درصد به جمعیت کل	تعداد جمعیت روستایی به نفر	درصد به جمعیت کل	تغییرات درصد جمعیت روستایی نسبت به قبل
۱۳۳۰	۱۶۲۳۷۰۰۰	۴۹۳۶۰۰۰	۳۰/۴٪	۱۱۳۰۱۰۰۰	۶۹/۶٪	-۱
۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	۵۹۳۵۶۳	۳۱/۴٪	۱۳۰۱۱۴۱	۶۸/۶٪	-۵/۴
۱۳۴۵	۲۵۷۸۸۷۲۲	۹۷۹۴۲۴۶	۳۸٪	۱۵۹۹۴۴۷۶	۶۲٪	-۵/۴
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۵۸۵۵۰۰۰	۴۷٪	۱۷۸۵۴۰۰۰	۵۳٪	-۹

مآخذ: (مرکز آمار ایران و حسامیان، ۱۳۶۳، ۲۱).

- آثار و نتایج مهاجرت های روستا - شهری^۳

با توجه به مطالبی که ارائه شد نتایج مثبت و منفی حاصل از مهاجرت های روستا - شهری در دو منطقه مهاجر فرست (روستا) و مهاجر پذیر (شهر) و همچنین کل کشور عبارتند از: آثار و نتایج مهاجرت در مناطق مهاجر فرست (روستا).

الف) نتایج مثبت

- کاهش بیکاری و تعدیل بیکاری فصلی و پنهان در روستا.
- انتقال بخشی از سرمایه به روستا توسط مهاجرین به شهر رفته به خصوص مهاجرینی که افراد تحت تکلف آن ها در روستا زندگی می کنند.
- کاهش تعداد کارگران و افزایش میزان دستمزد برای نیروهای باقیمانده در روستا.
- امکان ادامه تحصیل والدین و فرزندان به دلیل کمبود امکانات و خدمات آموزشی و فرهنگی در روستا (جهان محمدی فیروز، ۱۳۸۴، ۹۶).

ب) نتایج منفی

- کاهش نیروی جوان و فعال روستا به نفع شهر که منجر به رکود فعالیت های تولیدی و کشاورزی در روستا می گردد.
- بهم خوردن ترکیب جنسی و سنی جمعیت روستا؛ افزایش درصد جمعیت کهنسالان و سالخوردگان و نیز افزایش جمعیت زنان روستا (مستوفی الممالکی، ۱۳۷۶، ۹۱).
- انتقال بخشی از ثروت و سرمایه روستا به شهر که باعث افزایش فقر می شود زیرا روستاییان فقیر به علت وجود فقر به طرق گوناگون در معرض زیان و ضرر قرار می گیرند و مهاجرت را فرار از ضرر و زیان خود توجیه می کنند (آندرسون ۲۰۰۲، ۲).
- کساد شدن بازار کار پیشه‌وران و واسطه‌ها در روستا به دلیل مهاجرت تدریجی کشاورزان و دامداران که در نهایت زمینه مهاجرت آن ها نیز فراهم می شود.

- تخلیه و تخریب تدریجی روستاها

- آثار و نتایج مهاجرت در مناطق مهاجر پذیر (شهر)

الف) نتایج مثبت

- تأمین نیاز بخش های صنعتی و خدماتی شهر به نیروی کار ارزان و غیر ماهر و استفاده از این نیروها بدون هیچگونه سرمایه گذاری قبلی.
- بهره‌برداری و استفاده از سرمایه‌های انتقال یافته روستاییان به شهر.

۱- بیشتر اندیشمندان و پژوهشگران کشور متفوق القولند که نظریات دیدگاه وابستگی در تبیین مهاجرت روستا- شهری با واقعیات کشور ما بیشتر تطابق دارد. زیرا مکتب وابستگی علل و پیامدهای مهاجرت را در ارتباط با هم می‌داند و نمی‌توان بین علل و آثار مهاجرت تفکیک قائل شد. در واقع نمی‌توان روند مهاجرت را در دوره زمانی خاص بررسی نمود ولی به نتایج و آثار مثبت و منفی آن در نقاط مبدأ و مقصد اشاره ای نکرد. بنابراین نویسندگان با تأسی از دیدگاه وابستگی به ذکر آثار و نتایج مثبت و منفی مهاجرت های روستا- شهری کشور در دوره زمانی مورد نظر پرداخته اند.

- افزایش تولیدات صنایع مونتاژ و مواد غذایی در شهرها به علت تغییر الگوی مصرف روستاییان.
- رونق امور ساختمانی در شهرها.

ب) نتایج منفی

- کمبود و نبود مسکن مناسب در شهرهای مهاجرپذیر، که در بعضی موارد به ایجاد و گسترش حلبی‌آبادها و مناطق خارج از محدوده در حاشیه شهرهای بزرگ می‌انجامد و مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حادی را به وجود می‌آورد.
- گسترش فعالیت‌های انگلی در شهرها و روی آوردن مهاجران به کارهای غیر تولیدی و خدماتی مثل دستفروشی، سیگارفروشی و مانند آن.
- غربت در فضای شهری.
- ایجاد و گسترش مسائل و مشکلات اخلاقی و فساد، فحشا و مشکلات فرهنگی و سیاسی در شهرها و عدم امکان کنترل و مهار آن.
- رشد روزافزون جمعیت شهری و افزوده شدن بیکاران شهری (ابراهیم زاده، ۱۳۸۰، ۱۵۱ و ۱۵۰).
- تقلیل سرانه شهری به دلیل افزایش جمعیت شهری.
- جذب و نابودی تدریجی زمین‌های شهری و گرانی آن‌ها.
- دگرگونی قهری محیط طبیعی و آلودگی محیط زیست شهرها.
- عدم کفایت امکانات و خدمات شهری برای شهرنشینان (تقوی، ۱۳۷۱، ۱۰۷).
- عدم قبول نوآوری‌ها توسط مهاجرین فقیر و تهیدست که باعث تشدید اختلافات طبقاتی در شهرها می‌شوند (گریفین، ۱۹۷۴، ۱۳۴).

- آثار و نتایج کلی مهاجرت در کشور

- یکی از بارزترین نمودهای مهاجرت در ایران مانند بسیاری از کشورهای توسعه نیافته نمود فضایی و فیزیکی این جریان مهاجرتی بوده که به صورت حاشیه‌نشینی یا زاغه‌نشینی ظاهر گردیده است.
- پویش نسبتاً سریع شهرنشینی در مدت زمانی کوتاه (۵۵ تا ۱۳۳۵).
- تغییر در نوع و میزان اشتغال در بخش‌های گوناگون اقتصادی کشوری (اعتماد، ۱۳۶۳، ۱۱۴-۱۱۲).
- عدم تعادل رشد جمعیتی در شهر و روستا به علت بالا بودن الگوی باروری زنان روستایی و برهم خوردن تعادل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در سطح کشور.
- به تأخیر افتادن سرمایه‌گذاری در بخش‌های گوناگون اقتصادی.
- کاهش تولید و افزایش مصرف و در نتیجه مصرفی شدن کل جامعه (هم شهری و هم روستایی).
- تشدید وابستگی غذایی کشور و ورود هر چه بیشتر مواد غذایی.
- حذف تدریجی فرهنگ بومی و پذیرش فرهنگ شهری جدید (جهان محمدی فیروز، ۱۳۸، ۹۹).

نتیجه گیری

به رغم اینکه دولت پهلوی اعتقاد داشت که تا قبل از شروع قرن بیست و یکم ایران یکی از پنج قدرت صنعتی دنیا خواهد شد ولی مشاهده می شود که اجرای برنامه های عمرانی نتوانست به این آرزوها جامه عمل بپوشاند و کشور بایک اقتصاد بیمار باقی ماند. این بیماری ارتباط مستقیمی با نفت دارد. زیرا به دلیل اتخاذ سیاست ها، استراتژی ها و خط مشی های نادرست برنامه های عمرانی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و متکی بودن این برنامه ها به درآمدهای نفتی و تبدیل شدن نفت به مهمترین منبع مازاد اقتصادی در سطح ملی و در نتیجه کاهش نقش کشاورزی در تولید داخلی و صادرات دارد (سهم نفت از ۳۷/۱ درصد کل اعتبارات برنامه عمرانی اول به ۷۹/۸ درصد در برنامه تجدید نظر شده عمرانی پنجم افزایش یافت). همچنین تخصیص دادن بیشتر بودجه های عمرانی و جاری به شهرها، بالاخص شهرهای بزرگ کشور باعث تشدید مهاجرت روستاییان به شهرها شد. در کنار اجرای این برنامه ها توجه به صنعت مونتاژ، انجام اصلاحات ارضی در نقاط روستایی در نیمه اول دهه ۱۳۴۰، کم توجهی به روستاها به طور اعم و توسعه کشاورزی به طور اخص (سهم کشاورزی از ۲۸ درصد برنامه عمرانی اول به ۷/۵ درصد در برنامه پنجم از کل اعتبارات کاهش یافت)، رونق فعالیت های پر سود مانند بورس بازی زمین و ساختمان بر روند مهاجرت های روستا - شهری افزود. موبد مطالب فوق الذکر افزایش نسبت شهرنشینی کشور از ۳۰/۴ درصد در سال ۱۳۳۰ به ۴۷ درصد در پایان سال ۱۳۵۵ می باشد. در نتیجه شهرها به طور ناموزون توسعه فضایی - کالبدی پیدا کردند که بدون توجه به توان های آن ضایعات و عواقب زیست محیطی خطرناکی از جمله تغییر کاربری اراضی کشاورزی به کاربری های شهری، کاهش سطح آب های زیرزمینی و جاری و آلودگی آن ها، آلودگی هوا و خاک، کاهش فضای سبز، سرمایه گذاری سنگین به منظور ایجاد خدمات زیربنایی (آموزش، اشتغال، مسکن، بهداشت و درمان) را در پی داشته است.

منابع

- ۱- آسایش، حسین؛ (۱۳۷۶) برنامه ریزی روستایی در ایران، پیام نور.
- ۲- ابراهیم زاده، عیسی؛ (۱۳۸۰) «مهاجرت های روستایی، علل و پیامد آن»، نمونه: استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال شانزدهم، شماره ۱، بهار.
- ۳- اریک ج. هوگلاند؛ (۱۳۸۱) زمین و انقلاب در ایران ۱۳۶۰-۱۳۴۰، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران، شیرازه.
- ۴- اسفندیاری، علی اصغر؛ (۱۳۷۸) «تأثیر برنامه های اول تا پنجم بر تغییرات ساختاری اشتغال و جابجایی نیروی انسانی در ایران»، مجموعه مقالات همایش پنجاه سال برنامه ریزی توسعه در ایران، جلد اول، تهران.
- ۵- اعتماد، گیتی؛ (۱۳۶۳) شهرنشینی در ایران، «مهاجرت در ایران در دهه های اخیر»، تهران، آگاه.
- ۶- بانک ملی ایران، (۱۳۲۷)، تاریخچه تنظیم برنامه هفت سال عمران و آبادی در ایران.
- ۷- تقوی، نعمت...؛ (۱۳۷۰) مهاجرت های روستا - شهری (درآمدی جامعه شناختی بر نظریه ها)، تبریز، ستوده.
- ۸- جهان محمدی فیروز، غلامرضا؛ (۱۳۸۴) «بررسی اثرات مهاجرت بر توسعه فضایی - کالبدی شهر نوشهر»، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا، دانشگاه تهران.

- ۹- حسامیان، فرخ؛ (۱۳۶۳) شهرنشینی در ایران «مرحله گذار»، تهران، آگاه.
- ۱۰- حبیبی، سید محسن؛ (۱۳۸۰) از شار تا شهر، تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تهران.
- ۱۱- خلیلی عراقی، منصور؛ (۱۳۶۷) شناخت عوامل موثر در گسترش بی‌رویه شهر تهران.
- ۱۲- خیرخواهان، جعفر؛ (۱۳۷۸) «نقش نفت در برنامه های عمرانی»، مجموعه مقالات همایش پنجاه سال برنامه ریزی توسعه در ایران، جلد اول، تهران.
- ۱۳- رزاقی، ابراهیم، (۱۳۶۸) آشنایی با اقتصاد ایران، تهران، نی.
- ۱۴- رضوانی، محمدرضا؛ (۱۳۸۳) مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران، قومس.
- ۱۵- رهنمایی، محمد تقی و شاه حسینی، پروانه، (۱۳۸۴) فرایند برنامه ریزی شهری در ایران، تهران، سمت.
- ۱۶- زاهدی مازندرانی، محمد جواد و دیگران؛ (۱۳۶۶) «مهاجرت روستایی و روند یکصد ساله اخیر آن در ایران» مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۲.
- ۱۷- سازمان برنامه و بودجه، (۱۳۴۶)؛ گزارش مقدماتی سنجش پیشرفت و عملکرد برنامه سوم کشاورزی و آبیاری، تهران.
- ۱۸- سازمان برنامه و بودجه، (۱۳۵۰)، گزارش ارزیابی از برنامه چهارم و دورنمای بیست ساله و چارچوب برنامه پنجم، تهران.
- ۱۹- سازمان برنامه و بودجه، (۱۳۷۷)؛ سابقه برنامه ریزی در ایران، تهران.
- ۲۰- سعیدنیا، احمد، (۱۳۷۴) اندیشه‌های خام شهرسازی، مجله هنرهای زیبا، شماره اول.
- ۲۱- سلطانه، حسین؛ (۱۳۶۷) مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، تهران، امیرکبیر.
- ۲۲- قدیری معصوم، مجتبی؛ علیقلی زاده فیروزجایی، ناصر؛ (۱۳۸۲) «جایگاه روستا و کشاورزی در برنامه های عمرانی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران»، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۶.
- ۲۳- کاتوزیان، محمدعلی؛ (۱۳۷۴) اقتصاد سیاسی ایران (از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی)، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران، نشر مرکز.
- ۲۴- _____؛ جامعه‌شناسی تاریخی ایران (نفت و توسعه اقتصادی)، ترجمه علیرضا طیب. تهران، مرکز، ۱۳۷۷.
- ۲۵- مجتهدزاده، غلامحسین؛ برنامه ریزی شهری در ایران، پیام نور، ۱۳۷۶.
- ۲۶- مستوفی الممالکی، رضا؛ «تحلیل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مؤثر در پیدایش و روند مهاجرت های روستاییان به نقاط شهری از سال ۱۳۴۰ تا کنون و عواقب آن»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال دوازدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶.
- ۲۷- مشهدیزاده دهاقانی، ناصر؛ (۱۳۷۴) تحلیلی از ویژگی های برنامه ریزی شهری در ایران، دانشگاه علم و صنعت.
- ۲۸- مرکز آمار ایران؛ آمارنامه های سال های ۷۵-۱۳۳۵.
- ۲۹- مهدیزاده، جواد و دیگران؛ (۱۳۸۱) برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران)، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

30. Anderson, Jock R. (2002), Risk in rural development: Challenges for managers and police makers, Rural development department world bank.

31. Griffin, K. (1974) The Political Economy of Agrarian change, London, Macmillan.